

در صورت شکست مذاکرات هسته‌ای، آمریکا چه کار باید بکند؟

برون سپاری امنیت خاورمیانه به اسرائیل، یک نقشه دوم بد است

برای جلوگیری از بروز مناقشه، تلاش نمی‌کند بلکه خود، بازیگر منطقه‌ای است که به روشنی، خواستار تشدید تنش می‌باشد. واشنگتن باید راهبرد دیگری در پیش بگیرد، سیاستی که هدف آن، ممانعت از بروز منازعه با استفاده از ترکیب بین امنیت منطقه‌ای تقویت شده و تشویق برای ایجاد روابط دیپلماتیک مستحکم‌تر میان ایران و کشورهای عربی است؛^۳ سفر ماه جولای رئیس‌جمهور آمریکا (جو بایدن)^۴ به خاورمیانه، در مقطعی خوشایند رخ می‌دهد. آخرین تلاش‌ها برای از سرگیری گفتگوهای متوقف شده میان ایالات متحده و ایران درباره احیای برجام، در حال انجام است؛ توافقی که هدف آن، جلوگیری از ساخت بمب هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران بود. از زمان برگزاری آخرین دور مذاکرات در وین^۵، تهران برنامه هسته‌ای خود را سرعت بخشیده و به زودی به آستانه هسته‌ای خواهد رسید.

وقتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱ (ناظر هسته‌ای سازمان ملل) به شدت از ایران برای عدم همکاری با بازرسان انتقاد کرد، این کشور، بازهم سطح نظارت‌های آژانس بر برنامه هسته‌ای خود را کاهش داد و اعلام کرد، تأسیسات زیرزمینی جدیدی برای غنی‌سازی اورانیوم، ایجاد کرده است. اسرائیل از گذشته، تأکید داشته که یک ایران مجهز به سلاح هسته‌ای را بر نمی‌تابد. اسرائیلی‌ها با بهره‌مندی از پشتیبانی آمریکا، به دنبال سازماندهی تعدادی از کشورهای عربی برای تشکیل ائتلافی نظامی علیه ایران هستند.

شرایط، یادآور دهه ۱۹۷۰ است؛ زمانی که رئیس‌جمهور آمریکا، ریچارد نیکسون^۲ مسئولیت تأمین امنیت خاورمیانه را به شاه ایران سپرد. به شکلی مشابه، دولت بایدن نیز در عمل، مسئولیت مهار ایران را به اسرائیل واگذار است که این رویکرد خطرناک است. برخلاف حدود ۵۰ سال پیش، این بار نگهبان منطقه که از سوی آمریکا گماشته شده،

3. <https://www.foreignaffairs.com/articles/israel/2022-07-01/what-america-should-do-if-iran-nuclear-deal-talks-fail>

4. Joe Biden

5. Vienna

1. International Atomic Energy Agency

2. Richard Nixon

وقتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱ (ناظر هسته‌ای سازمان ملل) به شدت از ایران برای عدم همکاری با بازرسان انتقاد کرد، این کشور، بازهم سطح نظارت‌های آژانس بر برنامه هسته‌ای خود را کاهش داد و اعلام کرد، تأسیسات زیرزمینی جدیدی برای غنی‌سازی اورانیوم، ایجاد کرده است. به هر حال، اسرائیل از گذشته، تأکید داشته که یک ایران مجهز به سلاح هسته‌ای را بر نمی‌تابد و مشغول تلاش برای تحقق این هدف است. اسرائیل به ترور دانشمندان ایرانی و مقامات نظامی ایران، اقدام نموده است. همچنین، اسرائیل حملات هوایی علیه اهداف متعلق به ایران در سوریه، انجام داده و توانایی تهاجمی خود را نیز - احتمالاً - در راستای آمادگی برای انجام حملات جدید به سایت‌های هسته‌ای و تأسیسات نظامی ایران، گسترش داده است.

اسرائیلی‌ها با بهره‌مندی از پشتیبانی آمریکا، به دنبال سازماندهی تعدادی از کشورهای عربی برای تشکیل ائتلافی نظامی علیه ایران هستند. طبق گزارش

1. International Atomic Energy Agency

وال استریت ژورنال^۲، ایالات متحده در ماه مارس گذشته، نشستی را با افسران امنیتی مصر، اسرائیل، اردن، قطر، بحرین، عربستان سعودی و امارات، برگزار کرد تا سیستم‌های اشتراک اطلاعات و دفاع هوایی را برای مقابله با تهدیدهای هوایی - که از سوی ایران نشئت می‌گیرد - هماهنگ و یکپارچه سازد. این تحولات، طرح‌های واشنگتن برای خاورمیانه را در هم می‌آمیزد. دولت بایدن مدعی شده که احیای برجام، بهترین راه کنترل برنامه هسته‌ای ایران است؛ اما با شکست در این زمینه، به نظر می‌رسد که این کشور، آماده اتخاذ سیاست اسرائیل مبنی بر مهار ایران است. البته این کار، مستلزم تنگ‌تر کردن حلقه اقتصادی احاطه‌کننده ایران با خارج ساختن این کشور از بازار نفت است. همچنین، این رویکرد بدین معنا است که ایالات متحده از اسرائیل در انجام حملات داخل ایران و همچنین، تلاش برای ایجاد یک ائتلاف متشکل از کشورهای عربی در راستای مهار این کشور

2. The Wall Street Journal

حمایت می‌کند. اقدام دوم، در اصل یک کارکرد جدید برای پیمان ابراهیم^۳ است؛ توافقی که نشانه دستاورد سیاست خارجی دولت ترامپ^۴ بوده و حول محور یک اتحاد ضد ایرانی، اسرائیل را به بحرین، مراکش، سودان و امارات، پیوند داده است. آن چیزی که ناگفته مانده، این است که پیمان ابراهیم، ممکن است به یک معاهده دفاع نظامی کارآمد - که مورد حمایت آمریکا است - تبدیل شود.

شرایط، یادآور دهه ۱۹۷۰ است؛ زمانی که رئیس‌جمهور آمریکا، ریچارد نیکسون^۵ مسئولیت تأمین امنیت خاورمیانه را به شاه ایران سپرد. به شکلی مشابه، دولت بایدن نیز در عمل، مسئولیت مهار ایران را به اسرائیل واگذار کرده که این رویکرد خطرناک است. برخلاف حدود ۵۰ سال پیش، این بار نگرهبان منطقه که از سوی آمریکا گماشته شده، برای جلوگیری از بروز مناقشه، تلاش نمی‌کند بلکه خود، بازیگر منطقه‌ای است که به روشنی، خواستار تشدید تنش می‌باشد.

3. Abraham Accords

4. Trump

5. Richard Nixon

واشننگتن باید راهبرد دیگری در پیش بگیرد، سیاستی که هدف آن، ممانعت از بروز منازعه با استفاده از ترکیب بین امنیت منطقه‌ای تقویت شده و تشویق برای ایجاد روابط دیپلماتیک مستحکم تر میان ایران و کشورهای عربی است؛ یکی از محدود چیزهایی که می‌تواند، به کاهش تنش‌های روبه افزایش در خاورمیانه کمک کند.

اختاپوس اسرائیلی

اسرائیل از دیرباز، خود را متعهد کرده است تا به ایران، اجازه ندهد به قدرتی هسته‌ای تبدیل شود. نخست‌وزیر اسرائیل، نفتالی بنت^۱ که روزهای پایانی کار خود را سپری می‌کند، معتقد بود که بازگشت به توافق هسته‌ای، منابع بیشتری را در اختیار ایران می‌گذارد تا جاه‌طلبی‌های هسته‌ای و منطقه‌ای اش را دنبال کند. البته او برخلاف همتای سابق خود، بنیامین نتانیا هو^۲، زمان کمی را صرف مبارزه با حصول توافق کرده است و در عوض، تلاش‌ها برای -نه تنها- انجام خرابکاری در برنامه‌ی هسته‌ای

ایران، تضعیف جمهوری اسلامی را نیز سرعت بخشید. بنت در اوایل ماه ژوئن، با پیش‌بینی محکومیت رسمی دولت ایران توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به واسطه عدم همکاری با بازرسان هسته‌ای، به کنست^۳ این‌گونه گفت که «روزهای مصونیت که در آن، ایران به اسرائیل حمله کرده، تروریسم را از طریق نائبان منطقه‌ای خود گسترش داده و هیچ صدمه‌ای هم نمی‌بیند، به پایان رسیده است.»

اسرائیل از دیرباز، خود را متعهد نموده است تا اجازه ندهد که ایران، به یک قدرت هسته‌ای تبدیل شود.

بنت از راهبرد اختاپوس علیه ایران رونمایی کرد؛ این سیاست، شامل خرابکاری، ترور، جنگ سایبری، حمله به کارکنان نظامی و زیرساخت‌های ایران و همچنین، متحدانش در عراق، لبنان و سوریه می‌شود. سیاست جدید که فراتر از صرف هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای، حرکت می‌کند تا بتواند تمرکز گسترده‌تری بر خود جمهوری اسلامی داشته

باشد، کمتر قابل پیش‌بینی، تهاجمی ترو پیچیده‌تر از مبارزات و اقدامات گذشته اسرائیل است. به‌عنوان مثال در هفته‌های اخیر، اسرائیل اهداف ترور خود را به خارج از افراد دخیل در برنامه هسته‌ای، تعمیم داده است که یک نمونه برجسته آن، موردی بود که ظاهراً عوامل موساد، یک سرهنگ سپاه را در تهران به قتل رساندند. این، یک اتفاق نادر نبود؛ اخیراً گزارش‌های متعددی از مرگ‌های مرموز، انفجارهای مشکوک و همچنین، وقوع برخی حوادث در حوزه صنعت، منتشر شده است. آنچه برای راهبرد بنت حیاتی بوده، فراهم کردن فرصت‌ها برای اسرائیل در مرزهای ایران است. بر اساس گزارش منابع منطقه، خرابکاری و جنبش ترور اسرائیل در داخل ایران از پایگاه‌هایی در آذربایجان -که از سمت شمال با ایران، مرز مشترک دارد- و نیز منطقه کردستان عراق -که هم مرز با ایران، از سمت غرب است- نشئت می‌گیرد. همچنین، بنت امیدوار است که پیمان ابراهیم، بتواند یک وزنه تعادل منطقه‌ای در مقابل جمهوری اسلامی فراهم آورد.

1. Naftali Bennett

2. Benjamin Netanyahu

3. Knesset



را به اسرائیل بپیوندند، افزایش می‌دهد. باوجوداین، ایران عمدتاً از طریق نیروهای نیابتی خود مانند حماس و حزب‌الله به اسرائیل حمله می‌کند. در طول چند ماه گذشته، حزب‌الله یک عملیات پهنپیدی داخل خاک اسرائیل انجام داد، گفته شده که شبه‌نظامیان عراقی همسو با ایران، فرودگاه اصلی اسرائیل را مورد هدف حمله سایبری قرار داده‌اند و حماس نیز با راکت به هواپیماهای اسرائیلی حمله کرده است. ایران، همچنین تمایلی روزافزون برای هدف قرار دادن پایگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل نزدیک مرزهایش و افزایش هزینه برای کشورهایایی که عملیات اسرائیل را تسهیل می‌کنند، از خود نشان می‌دهد. این مسئله، به‌طور خاص نسبت به موردی

این مسئله، به احتمال زیاد در دستور کار دیدار بایدن با همتای عربستانی خود در جریان سفر به خاورمیانه، قرار خواهد داشت.

بازی طولانی ایران

درحالی‌که اسرائیل، فاز حمله به خود گرفته است، ایران به دنبال این است که زمان بخرد. تهران با اجتناب از رویارویی مستقیم با اسرائیل، می‌تواند برنامه هسته‌ای خود را تقویت کند، برنامه موشکی و پهنپیدی خود را ارتقا داده و توانایی‌های نظامی‌اش در عراق، لبنان، سوریه و یمن را نیز توسعه دهد. مقامات ایران نیز معتقدند که اگر اسرائیل، بتواند تهران را در مناقشه‌ای بزرگتر درگیر کند، دولت بایدن، مجبوره مداخله نظامی می‌شود. به‌علاوه، تشدید دشمنی، احتمال اینکه کشورهای عرب بیشتری

این پیمان، باعث افزایش سطح نفوذ اسرائیل به خلیج فارس از طریق توافقات امنیتی با بحرین و امارات شده است؛ کشورهایی که سرانشان، نگرانی‌های مشترکی با اسرائیل در قبال جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای و هسته‌ای تهران دارند. اسرائیل، هم‌اکنون در حال نهائی‌سازی موافقتنامه تجارت آزاد با امارات و همچنین، تأمین سیستم پدافند هوایی پیشرفته، رادارها و فناوری سایبری برای متحدان خود در خلیج فارس است. واشنگتن نیز مصر و اردن را تشویق می‌کند تا روابط امنیتی خود با اسرائیل را تعمیق بخشند و در ضمن، از تلاش‌ها برای واردکردن عربستان سعودی در پیمان ابراهیم، حمایت می‌کند تا بدین ترتیب، محوری عربی ایجاد نماید و ایران مهار شود.

صادق است که اسرائیل، اعضای سپاه پاسداران را به عنوان هدف برگزید، بخشی از نیروهای مسلح کشور که نفوذ چشمگیری بردولت دارد. بعد از اینکه حمله هوایی اسرائیل، موجب کشته شدن دو فرمانده سپاه در سوریه شد و همچنین، حمله پهبادی متصور از سوی اسرائیل که از منطقه کردستان عراق صورت گرفته بود، باعث نابودی یک سایت نظامی در غرب کشور شد، تهران دست به انجام تمرینات نظامی در نقاط مرزی با آذربایجان زد و به اهدافی در کردستان عراق، از جمله یک پایگاه ادعایی متعلق به موساد حمله کرد. همچنین، تهران به متحدان عراقی خود، فشار آورد تا قانونی را تصویب کنند که عادی سازی روابط با اسرائیل را جرم می داند. این قانون - که ابهاماتی در متن آن وجود دارد - قصد دارد تا عراق را خارج از دامنه نفوذ روبه گسترش اسرائیل، حفظ کند و همچنین، دولت نیمه مستقل اقلیم کردستان را تحت فشار قرار دهد تا همکاری خود با اسرائیل را کمتر کند. این گام ها از نظر

اسرائیل، پنهان نمانده است. پس از حمله اسرائیل به فرودگاه بین المللی دمشق، دولت، به شهروندان توصیه کرد تا به دلیل نگرانی از تصمیم ایران برای گرفتن انتقام از طریق حمله به اتباع اسرائیلی، از ترکیه - که یک مقصد گردشگری رایج در میان اسرائیلی ها است - فاصله بگیرند.

احیای توافق هسته ای

در بحبوحه این آشفتگی قریب الوقوع، اعضای کابینه بایدن به همراه مقامات اتحادیه اروپا، مشغول مذاکره در دوحه هستند تا برجام را احیا کنند. این کار به اشکال مختلف، اقدامی در راستای کنترل آسیب است؛ تصمیم رئیس جمهور آمریکا، دونالد ترامپ برای خروج از توافق هسته ای در سال ۲۰۱۸، زمان مورد نیاز تهران برای ساخت بمب را کاهش داده و توان تندروها در ایران را تقویت نمود. ایران در چارچوب توافق اصلی، یک سال از به دست آوردن ماده شکافای کافی برای یک بمب فاصله داشت. اکنون، در چارچوب توافق جدید، این زمان بندی به شش ماه، کاهش پیدا خواهد کرد. فشار

و تحریم هایی که دولت ترامپ بر تهران تحمیل کرد، تجارت نفت ایران را بیشتر به صورت زیرزمینی درآورده و سپاه را به این سمت سوق داده است که بودجه خود را با استفاده از مدیریت مستقیم بخش زیادی از این تجارت غیرقانونی تأمین کند. از سال ۲۰۱۸، ایران نفت را به صورت محرمانه فروخته و بخش عمده معاملاتش از طریق بازار سیاه بوده است، مسئله ای که به سپاه، اجازه داده تا سهم مخصوص به خود از نفت را فروخته و شرکت های خوشه ای اقتصادی ایجاد نماید. در نتیجه، بخش اعظم درآمدهای کنونی سپاه، خارج از چارچوب بودجه رسمی دولتی است. افراد ذی نفوذ در سپاه، در حال حاضر انگیزه ای قوی برای موضع گیری ضد توافق جدید هسته ای دارند، زیرا درآمدهای نفتی ایران، بار دیگر به دست دولت خواهد رسید. سپاه پاسداران باید بودجه اش را در معرض نظارت شهروندان قرار دهد و احتمالاً با فشار افکار عمومی برای صرف نظر کردن از بخشی از آن، مواجه خواهد

دارد. جالب است که اسرائیل و سپاه، هردو با توافق هسته‌ای، مخالف هستند و برای یک منازعه نزدیک آماده می‌شوند.

مسیر پیش رو

در هفته‌های آتی، مشارکت آمریکا برای اینکه سایه جنگ میان ایران و اسرائیل، از کنترل خارج نشود، حیاتی است. تشدید حملات از سوی اسرائیل و نائبان ایران، می‌تواند به یک تقابل بزرگ تبدیل شود و آتش منازعات را از خاور نزدیک^۱ تا شبه جزیره عربستان^۲ شعله‌ور سازد. این اتفاق، ممکن است موجب طولانی شدن بحران‌های سیاسی در عراق و لبنان شود، مصالحه شکننده موجود میان حوثی‌های مورد حمایت ایران و نیروهای تحت هدایت عربستان در یمن را با اختلال مواجه سازد و حتی باعث بروز مجدد مناقشه در سوریه گردد. همچنین، این مسئله، ایالات متحده را به سمت توافق با منطقه می‌کشاند، آن هم زمانی که این کشور، تمایل دارد تا بر روسیه و چین، تمرکز داشته

شد. از این تحول در مقطعی که سپاه، تلاش دارد تا توانایی نظامی خود را افزایش دهد و همسنگی راهبردی با اسرائیل را حفظ کند، استقبال نخواهد شد. افزایش حملات اسرائیل، مقاومت سپاه در برابر توافق را تقویت می‌کند، در عین اینکه تصور می‌شود، توافق مکانیزم آمریکا برای تضعیف توانایی ایران برای انجام واکنش نظامی است. در اینجا، حصول یک توافق، به اقتصاد ایران در زمانی که نارضایتی عمومی روبه افزایش است، جان می‌بخشد. همچنین، موجب فراهم آمدن فرصت‌های تجاری با همسایگان کشور می‌شود. آن هم در مقطعی که اسرائیل، در حال گسترش روابط خود با کشورهای عربی است. آن دسته از سران ایران-که حامی توافق هستند- می‌توانند بر مقاومت سپاه فائق آیند، البته اگر وعده‌های اقتصادی حصول توافق، قابل توجه و قریب الوقوع بوده و ایران، بتواند از تحقق آن‌ها، اطمینان داشته باشد. شکست در نیل به یک توافق نیز خطر تشدید تنش با اسرائیل را بالا می‌برد، اما سپاه پاسداران، نفوذ قدرتمندی در دولت ایران

باشد. دولت بایدن، برای اجتناب از این پیامدها، باید خطوط قرمزی را برای دولت اسرائیل، تعیین کند و بر محدودیت‌ها برای انجام حملات تحریک‌آمیز اصرار ورزد. آمریکا، همچنین باید یک راهبرد برای ثبات خاورمیانه، ترسیم کند که صرفاً مبتنی بر بازدارندگی و مقابله با ایران یا تضمین یک کاهش کوتاه‌مدت در بهای نفت نیست، بلکه، باید چارچوبی طولانی‌مدت را برای جلوگیری از بروز مناقشه ایجاد نماید. مؤثرترین راه برای این کار، نهایی ساختن یک توافق هسته‌ای با ایران است؛ که یقیناً توافق، اسرائیل را راضی نکرده و باعث توقف فعالیت‌های سپاه و نیروهای نیابتی آن در منطقه نیز نخواهد شد. البته این اتفاق، مهار برنامه هسته‌ای ایران را حفظ می‌کند، به شکلی که اقدام فوری اسرائیل را غیر ضروری می‌سازد. بدین ترتیب، احتمال انجام اقدام تلافی‌جویانه از سوی ایران در منطقه نیز کاهش می‌یابد؛ از جمله علیه نفت‌کش‌ها و تأسیسات نفتی-که ممکن است باعث تلاطم بازارهای جهانی انرژی شود-

1. Levant

2. Arabian Peninsula

یک رویداد مهم نیز، می‌تواند روابط ایران با همسایگان این کشور در خلیج فارس را دچار تغییر کند. تهران تلاش می‌کند تا روابط خود با کویت، عمان و قطر را تقویت نماید. ایران، همچنین برای بهبود روابط با ریاض و ابوظبی، بسیار مشتاق بوده است. بعد از برگزاری پنج دور مذاکرات میان ایران و عربستان سعودی، اکنون آتش‌بس در یمن، وارد ماه سوم خود می‌شود. یک توافق هسته‌ای، نیرویی تازه به این ابتکار خواهد بخشید. در مقابل، تحریم‌های بیشتر و هجمه اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران، احتمالاً باعث توقف این روند، شده و منطقه را در یک مسیر پرتنش خطرناک قرار می‌دهد. **مشارکت آمریکا برای اینکه سایه جنگ میان ایران و اسرائیل از کنترل خارج نشود، حیاتی است** حتی بدون یک توافق هسته‌ای، مشارکت بیشتر اعراب و ایران، می‌تواند مانعی برای فعالیت‌های منطقه‌ای تهاجمی‌تر ایران محسوب گردد؛ اما این امر، تنها در صورتی است که یک مسیر واقعی برای بهبود روابط اعراب-ایران، وجود داشته باشد. اگرچه

کشورهای سلطنتی خلیج فارس از ایران، هراس داشته و روابط امنیتی خود را با اسرائیل گسترش داده‌اند، اما خواهان جنگ میان ایران و اسرائیل نیز نیستند. کشورهای عرب، خواستار حفاظت از امنیت اسرائیل هستند اما از این امر واهمه دارند که به آسیب جانبی در یک زورآزمایی نظامی تبدیل شوند. کشورهای حاشیه خلیج فارس، همچنین حامی پایان یافتن منازعات منطقه‌ای و از همه مهمتر در یمن هستند. گسترش و بهبود آتش‌بس کنونی در آن کشور، مستلزم استمرار گفتگوی سعودی-ایرانی فارغ از سرنوشت توافق هسته‌ای است. فشار روزافزون برای برقراری روابط دیپلماتیک مستحکم‌تر میان ایران و همسایگان عرب، به واشنگتن، فرصتی برای جهت‌دهی مجدد امنیت منطقه‌ای می‌بخشد. آمریکا از طریق همکاری نزدیک با کشورهای عربی (نه فقط امضاکنندگان پیمان ابراهیم، بلکه آن‌هایی که منافع قطعی در امنیت خلیج فارس و دریای سرخ^۱ دارند)، می‌تواند حمایت

گسترده‌تری را برای کنترل تنش میان اسرائیل و ایران ایجاد نماید. این کشور باید ضرورت مهار ایران از نظر نظامی را با تشویق دیپلماسی منطقه‌ای، پیوند دهد و بدین وسیله، رفتار آن را تحت تأثیر قرار دهد. اسرائیل، اعراب را برای پیوستن به یک چتر امنیتی ضد ایرانی تشویق می‌کند. ایران، دلیل محکمی دارد تا اعراب را از انجام این گام منصرف سازد. کشورهای عربی می‌توانند از این اهرم فشار، استفاده کنند تا ضمن ترغیب ایران و اسرائیل برای دست برداشتن از انجام اقدامات خطرناک و تحریک‌آمیز، سایه جنگ را نیز کنترل نمایند. بایدن، باید از سفر به منطقه برای تشویق آن‌ها فقط برای پیش‌برد این مهم استفاده کند.

ماریا فانتاپی^۲ - ولی نصر^۳
 مترجم: هادی قربانیار

2. Maria Fantappie

3. Vali Nasr

1. Red Sea